🔊New Track !

🎤Artist : Ramtin Risman

✏️Title : Interview with a madman

Record-mix & mastering by War Record

Photo & design by sepidar

genre: declamation

Lyrics : Risman

📆Date :1396/11/12

"مخاطب گرامی این تماس توسط بازداشگاهی زندانی اوین میباشد"

+خودتو معرفی کن

-من ریسمان رامتین نه رامتین ریسمان

بتوچه بتوچه

+خیلی خب خیلی خب خیلی خب؛

کیو بیشتر دوست داری؟

- من عشقمو

+ عشقت کیه؟

- من عشقی ندارم

+ هه، واسه عشقت حاضری چه کارایی بکنی؟

- مثل عاقلا نمیشم

نامردی نمیکنم

خیانت نمیکنم

دور نمیزنمش

دروغ نمیگم

تنهاش نمیذارم

خودمو فداش میکنم

+ اگه عشقت تنهات گذاشت

بی وفایی کرد

خیانت کرد چی؟

- اگه این کارا رو نمیکرد که دیوونه نمیشدم .

بهمن ماه سال هشتاد و هشت بود

ساعت هفت صبح صد و بیست و پنجمو علی کردمو رفتم سمت توپخونه

من پیک موتوری رستوران بودم

از شانس گندم یادم رفت کارت موتورو بردارم

این شانس گندم به توان دو رسید و تو خیابون سعدی کفی بود

موتورمو گرفتم

یه یارو هیوسانگ داشت صد تومن به ماموره داد و ماموره قاچاقی ردش کرد ولی من بیست تومن تو جیبم بیشتر نداشتم

موتورم خوابید

هر چی التماسش کردم گفتم شماره کارتتو بده امروز حقوقمو میگیرم خداییش تا شب نشده برات میریزم

جلو همه یه کشیده خوابوند زیر گوشم گفت حرف دهنتو بفهم عنتر مگه ما اینجا رشوه بگیریم؟

یه تاکسی گرفتمو رفتم سمت رستوران

اولین چراغ قرمز که رسیدیم بچه هه انقدر بود پا برهنه نذرم نداشت

داشت ماشینو تمیز میکرد

یگه نزدیک بود لیس برنه

راننده تاکسیه یه پونصدی داد بهش

گفت خیلی اقایی عمو و رفت

رسیدم رستوران

هنوز نرسیده هفت هشت ده تا غذا داد گفت جنگی برو بیا امروز خیلی شلوغه

بهش داستانمو گفتم که فعلا موتور ندارم

یهویی جوش اورد صابکارم

گفت مگه ما مسخره ایم ؟

مگه قرار نبود اگه بخوای بری یه هفته قبلش بگی که یکیو جایگزین کنیم

الان من خودم کول کنم غذاهارو ببرم پدر سگ؟

تا گفت پدرسگ دیگه رد دادم

همونجا کارت خونی که کنار دستم بودو پرت کردم شیشرو اوردم پایین

اون روزم خیابونا شلوغ بود

یهو چند نفر ریختن زدنم کردنم تو ماشین

ظهر شد

رسیدم جایی که نمیدونم کجا بود

گفت تو یه اغتشاش گری

منظورشو نفهمیدم

اصلا معنی کلمه اغتشاشو نمیدونستم چیه

فکر کردم به یه زبون دیگه داره فحش میده

سواد درست حسابی هم که نداشتم

یهو یکی اومد بل پوسخند گفت عکس جدید کیم کارداشیانم که داری

نمیدونم از کجا فهمید اخه من اونو فقط تو گالری شخصی گوشیم داشتم

دیگه تو باورم نمیگنجید که کسی به خودش اجازه بده که عکسای شخصی منم ببینه

واسه همین خوش حال شدم فکر کردم رفیقم اومده از رفیقم پرسیدن که میدونن

تشنمه

اب میخوام

با کلی التماس تونستم زنگ بزنم خونه بگم خوبم

بعد فهمیدم اخ اخ

مامانم بیمارستانه

امروز قرار بود امروز با پول حقوقم آمپولاشو بگیرم

فقط زدم تو سرم

بعد زنگ زدم به اونی که قرار بود باهاش ازدواج کنم

گوشیش خاموش بود

به خودم اومدم

گفتم عه!

نکنه میخوان مثل موتورم زنمم ازم بگیرن

زنگ زدم گوشی آبجیش

برداشت

گفتم گوشیو بده زینب

گفت نمیتونه فعلا صحبت کنه

گفتم منم نمیتونم صحبت کنم میگم بده یعنی بده

بالاخره داد

صداش عوض شده بود

لحنشم عوض شده بود

گفت اقا رامتین دستت درد نکنه

این بود تموم اون قولا؟

گفتم بزار یه لحظه توضیح بدم

گفت چیو میخوای توضیح بدی؟!

همه چیو کلانتری زنگ زده به بابام توضیح داده

قفل کردم

به من و من افتادم

بعدشم که بوق بوق بوق

8سال میگذره

نه خبری از مامانم دارم

نه بابام

نه داداشم

نه بابای عشقم

ولی عشقم اینجاست

همه فکر کردن خودکشی کردم

کسی نمیاد ملاقاتم

ولی عشقم اینجاست

زینب اینجاست

زینب همین بغله

همه فکر میکنن دیوونه شدم

همه

ولی من عاقل تر از اونیم که دیوونه نباشم

ما فقط تعدادمون کمه

اگه بیشتر بودیم شما دیوونه بودید

اره

دیوونه خودتی

The end